

تدوین کننده و پژوهشگر: دوشی چی

از صفحات تاریخ : « قسمت چهاردهم » حوادث در افغانستان چگونه شکل گرفت؟

چالشهای حکومت کرزی



((تلاش کردم تا در این نوشته های تاریخی زیباترین اشعار و نایاب ترین تصویرها تهیه و به پیشگاه شما عزیزان تقدیم گردد. هدف از انتخاب تصویر مستند سازی و حقیقت نگاری را افاده مینماید و مزین شدن با اشعار شیوه ی جدیدی است تا از یکطرف بحث های تاریخی را با شعر صیقل داد و از جانب دیگر خواننده را از یک نواختی بیرون کرد.))

<p>برسان باده که غم روی نمود ای ساقی حالی نقش دل ماست در ایینه ی جام دید ای یار که بستیم صد امید در او تیره شد آتش یزدانی ما از دم دیو تشنه ی خون زمین است فلک ، وین مه نو منتی نیست اگر روز و شبی بیشم داد بس که شستیم به خوناب جگر جامه ی جان حق به دست دل من بود که در معبد عشق این لب و جام پی گردش می ساخته اند در فروبند که چون سایه در این خلوت غم</p>	<p>بن شیخون بلا باز چه بود ای ساقی تا چه رنگ آورد این چرخ کبود ای ساقی چون به خون دل ما دست گشود ای ساقی گرچه در چشم خود انداخته دود ای ساقی کهنه داسی ست که بس کشته درود ای ساقی چه ازو کاست و بر من چه فزود ای ساقی نه ازو تار به جا ماند و نه بود ای ساقی سر به غیر تو نیاورد فرود ای ساقی ورنه بی می و لب جام چه سود ای ساقی با کسم نیست سر گفت و شنود ای ساقی. (سایه)</p>
---	--

بیش از پنج سال از عمر دولت جدید (پس از طالبان) می گذرد. طی این مدت مشکلات پیش روی دولت پیوسته بزرگتر شده و موجودیت آن را با خطرات جدی مواجه ساخته است. موارد ذیل بخشی از مهمترین چالش های پیش روی دولت حامد کرزی است. طی پنج سال گذشته نه تنها وضع امنیتی افغانستان بهبود نیافته بلکه بر اثر حملات طالبان، القاعده و حکمتیار بدتر گردیده است.

گزارش های واصله از تکمیل تر شدن سازماندهی مجدد طالبان توسط پاکستان حکایت دارد و به نظر می رسد حملات این گروه تا پیش از آغاز فصل سرما ادامه یابد. دولت افغانستان و نیروهای ائتلاف بین المللی تاکنون قادر به توقف این حملات نشده اند. تداوم حملات به نیروهای آمریکا در عراق و ضعف آنها در برقراری امنیت در آن کشور، مخالفین دولت را در تشدید حملات خود علیه دولت ثابت قدم تر کرده است.

در همین راستا به قدرت رسیدن احزاب اسلام گرا در ایالات سرحد و بلوچستان پاکستان نیز نقش موثری در حمایت از طالبان، القاعده و حکمتیار و تجدید سازمان آنها داشته است. تجربه سال های گذشته نشان داده که نیروهای بین المللی توان کافی برای برقراری امنیت سراسری را ندارند. استقرار نیروهای ایساف محدود به کابل است و در صورتی که بخواهد حوزه کاری خود را به مناطق بیشتری توسعه دهد حداقل به ۱۲۰۰۰ نفر نیرو احتیاج دارد در حالی جمع آوری این تعداد نیرو و تامین هزینه آن کار مشکلی است. بهترین نیرو برای حفظ امنیت بلند مدت افغانستان ارتش ملی و پولیس جدید آن کشور است ولی از ارتش ۷۰ هزار نفری که برای افغانستان در نظر گرفته شده تنها ۳۰۰۰۰ نفر آن آموزش دیده اند و تا رسیدن به سقف ۷۰ هزار نفر فاصله زمانی زیادی وجود دارد. یکی از مهمترین

مشکلات سرراه ارتش ملي وجود بيش از يكصد هزار نيروي مسلح است. آنها از مجاهدين سابق هستند و خواستار الحاق به ارتش ملي مي باشند.

اين شبه نظاميان از يكسو فاقد آموزشها و شرايط لازم براي پيوستن به يك ارتش منظم هستند و از سوي ديگر گرايشات و وابستگي هاي شديد قومي، حزبي و گروهی دارند. البته آمريكا، فرانسه و انگليس براي بازسازي ارتش، و آلمان براي بازسازي پوليس قول هايي جهت آموزش و سازماندهي داده اند. آمريكا حدود 20000 هزار نيرو به افغانستان اعزام کرده است. بخش اعظم اين نيروها در مرز با پاکستان مستقر شده و حملات پيوسته اي را عليه طالبان و القاعده انجام داده اند.

پاکستان عامل بي ثباتي در افغانستان به شمار مي رود. بين دو کشور از گذشته تنش هاي پيوسته اي بر سر خط مرزي ديورند و سالهاي اخير به دليل حمايت گسترده پاکستان از طالبان و القاعده وجود داشته است. اختلافات مرزي از يكسو و ناکاميهاي پاکستان در افغانستان در پي سقوط طالبان از سوي ديگر سبب شده که پاکستان همه توان و تلاش خود را براي ايجاد بحران در افغانستان و بازگرداندن طالبان بکار گیرد. اين تلاشها در آینده هم ادامه خواهد يافت و دولت افغانستان را با مشکلات مختلفي مواجه مي سازد.

بخش اعظم سلاح هاي افغانستان پراکنده است و در اختيار مردم (بيشتر سلاح هاي سبک) و بويژه احزاب و گروه ها قرار دارد. آنها تاکنون حاضر به تحويل سلاح هاي خود نيستند و در آن به عنوان اهرمي جهت پيشبرد اهداف خود استفاده مي کنند. تلاش نيروهاي ائتلاف بين المللي هم بيشتر صرف کشف و جمع آوري سلاح هاي طالبان و القاعده شده و احزاب، گروه ها و فرماندهان محلي جهت نگهداري سلاح هاي خود با محدوديت زيادي مواجه نبوده اند. طبق مفاد کنفرانس بن يکي از وظايف اصلي دولت خلع سلاح عمومي بوده و با آن که جاپان اخيراً ۳۵ ميليون دالر براي خلع سلاح اختصاص داده ولي اين امر تاکنون تحقق نيافته و در نتيجه افراد و گروه هاي مختلف با تکیه بر همين سلاح ها در مقابل دولت ايستادگي کرده يا حداقل از آن اطاعت نکرده اند.

از نظر غربي ها يکي از علل عدم خلع سلاح، حاکميت اعضاي جبهه متحد بر وزارت دفاع بوده و از آنجا که بيشتر سلاح ها در اختيار اعضاي سابق اين جبهه است، وزارت دفاع جدیت کافي براي خلع سلاح عمومي به خرج نداده است. قرار بود خلع سلاح تحت نظارت سازمان ملل آغاز شود ولي به مدت نامعلومي به تاخير افتاده و علت آن به طول انجاميدن تغييرات در وزارت دفاع ذکر شده است لازمه خلع سلاح انجام تغييرات وسيع در سطح وزارت دفاع است. دوازده ولايت مهم که داراي درآمدهاي گمرکي هستند از دولت تبعیت کافي ندارند. آنها با استفاده از درآمدهاي گمرکي، نيروهاي نظامي و سلاح هاي موجود براي خود تشکيلاتي بوجود آورده و مانع حاکميت دولت بر حوزه تحت کنترل خود مي شوند.

مرز با پاکستان بر اثر تحريکات و مداخلات پيوسته اين کشور وضع آشفته تري داشته و دولت حضور ضعيفي در آن دارد. اغلب، فرماندهان به دلخواه عمل کرده و موجبات نارضائيتي مردم را فراهم مي آورند. اين نارضائيتي ها دولت را بيش از پيش تضعيف مي نمايد. علاوه بر وجود درگيري بين دولت و مخالفين آن نظير طالبان، القاعده، حکمتيارو...، بين عده اي از فرماندهان وابسته به دولت نيز منازعات سابقه داري وجود دارد از جمله جنگهاي متوالي بين نيروهاي دابسته به عطا (جمعيت اسلامي) و (جنبش ملي اسلامي)، بين اسماعيل خان با امان الله و برخي ديگر از فرماندهان، بين برخي فرماندهان در مناطق مرکزي و...

درگيريهاي فوق بر اثر ضعف حضور دولت است و ادامه آن سبب تشويق طالبان، القاعده و حکمتيار جهت تشديد حملات خود بر ضد دولت مي گردد. طی سه دهه گذشته بيش از ۶ ميليون نفر از جمعيت افغانستان به خارج از اين کشور مهاجرت کرده و عده کثيري هم به دليل خشکسالي، فقر، نبود کار و درآمد در داخل کشور آواره شده و در اطراف شهرهاي بزرگ در اردوگاه هاي ويژه آوارگان سکني گزيده اند.

روند مهاجرت در داخل و خارج کشور اگرچه کند شده ولي همچنان ادامه دارد. با سقوط طالبان و تشکيل دولت جديد فشار کشورهاي ديگر به ويژه پاکستان و سپس ايران براي بازگرداندن آوارگان افغاني افزايش يافته و تاکنون بيش از دو ميليون مهاجر افغاني به کشور خود عودت کرده اند. (بيش از ۱/۵ ميليون نفر از پاکستان و حدود ۵۰۰ هزار نفر از ايران و تعداد کمي هم از کشورهای ديگر). بازگشت آوارگان در شرايطي صورت مي گيرد که براي آنها مسکن، کار و درآمد، امکانات آموزشي و بهداشتي و وجود ندارد و طبعاً حضور فزاينده آنها بر ميزان مشکلات دولت مي افزايد.

علاوه بر مشکلات بالا دولت افغانستان با چند چالش ديگر هم روبروست: تداوم تلاشهاي برخي همسايگان افغانستان بويژه پاکستان براي مداخله در امور اين کشور، امتناع فرماندهان و مسئولان محلي براي عدم ارسال درآمدهاي گمرکي و مالياتي به کابل، ظهور تدريجي تعدادي فرماندهان و مسئولان محلي ثروتمند و قدرتمند (اين عده قدرت و ثروت خود را اغلب بر اثر کشت ترياک و قاچاق مواد مخدر بدست مي آورند)، تخليه نشدن شهرها از حضور نيروهاي نظامي، اتخاذ تصميمات خودسرانه، سلیقه اي و مستقل توسط فرماندهان محلي و ولايات، عدم پاکسازي افغانستان از ميادين وسيع مين (در افغانستان بيش از ده ميليون مين منفجر نشده وجود دارد در اثر انفجار تدريجي اين مينها يا بندرهاي مرگ، ماهانه بين ۱۵۰ تا ۳۰۰ نفر کشته و زخمي مي شوند)، کمبود بودجه و وابستگي شديد دولت

به کمکهای خارجی، ناهمگون بودن ترکیب کابینه و عدم هماهنگی کافی در آن. اما مناسب ترین راه برای برقراری ثبات و امنیت بلند مدت در افغانستان، توسعه بازسازی است با این حال روند بازسازی به دلایلی کند بوده است. با توجه به وسعت زیاد خرابیها، میزان کمکهای بین المللی اختصاص یافته برای بازسازی کافی نیست. برخی کشورها به تعهدات خود عمل نکرده و برخی نیز اجرای پروژه ها را منوط به برقرار شدن ثبات و امنیت کرده اند. سرعت پروژه های در حال اجرا حتی جاده کابل- قندهار- هرات خیلی کند است. بخش زیادی از کمکهای اختصاص یافته هر کشور صرف کمکهای انساندوستانه و تامین هزینه های تردد و اقامت سازمان های غیردولتی و گروه های امدادی می شود. کمکهای اختصاص یافته کمتر در اختیار دولت قرار می گیرد و عمدتاً توسط کشورهای کمک دهنده و در قالب خدمات عمومی و انساندوستانه هزینه می گردد. علاوه بر اینها در بسیاری مواقع کمکها بیشتر جنبه شعاری و تبلیغاتی دارد تا کمکهایی واقعی.

با توجه به مشکلات امنیتی افغانستان و امتناع برخی کشورها از حضور در افغانستان، یکی از مناسب ترین راه ها افزایش نقش کشورهای همسایه در بازسازی افغانستان است. به دلیل حمایتی پیدا و پنهان پاکستان از طالبان و حکمتیار، افغانها و جامعه بین المللی نگرش مثبتی نسبت به عملکرد پاکستان ندارند. ضروری است به کشورهای کمک دهنده توصیه شود کمکهای خود را بیش از آن که صرف خدمات انساندوستانه می نمایند صرف پروژه های زیربنایی سازند.

طی سالهای گذشته به نسبت ضعیف تر شدن دولت، کشت تریاک و قاچاق مواد مخدر افزایش یافته است. باندهای مواد مخدر و افراد و عناصری که طرفدار کشت تریاک بوده منافع خود را در ناامنی و ضعف دولت می دانسته اند. ضعف دولت مرکزی و عدم حاکمیت آن بر سراسر افغانستان سبب شده که کشت کاران تریاک و قاچاقچیان مواد مخدر به دستورات دولت مبنی بر ممنوعیت کشت تریاک توجه نکرده و با خاطر آسوده به کشت و تجارت مواد مخدر بپردازند. نشانه هایی از کشت سراسری تریاک در افغانستان به چشم می خورد. کشت تریاک اگرچه درآمد عده ای از کشاورزان را افزایش می دهد ولی از یکسو سبب کاهش تولید مواد غذایی و در نتیجه کمبود و گرانی آن می گردد و از سوی دیگر مخالفت جامعه بین المللی را علیه دولت افغانستان برمی انگیزد بعضی کشورها هم ممکن است کمکهای خود را موکول به توقف کشت تریاک کنند.

دولت توان کافی برای مقابله با کشت تریاک را ندارد در این شرایط اگر با کشت تریاک مقابله کند با مخالفت عمومی مواجه می شود و چنانچه سکوت نماید اعتراض جامعه بین المللی را به دنبال می آورد. حتی نیروهای آمریکایی و ائتلاف بین المللی از ترس اعتراض عمومی علیه خود اقدامی جدی برای مقابله با کشت تریاک به عمل نیاورده اند. زیانهای ناشی از ادامه کشت تریاک در درجه اول متوجه همسایگان افغانستان است که در مسیر ترانزیت مواد مخدر به اروپا هم قرار دارد. برآوردهای اولیه حاکی از برداشت بیش از 500 تن تریاک در سال جاری می باشد. در صورت ادامه روند فعلی، کشت تریاک در سال آینده افزایش می یابد.

سیاست های ناکام



بغض باران در گلویش بود
کوچه گرم از گفتگویش بود
بوی شب های بیابان را
گونه ی خیس بیابان را
من پر از اندوه او بودم
همچنان در گفتگو بودم
اشک بر سیمای غمکش
در فضای چشم نمکش

آسمان بی ماه بود آن شب
ناودان با خویش نجوا داشت
باد در شهر تهی می ریخت
تک چراغی خال می کوبید
من تهی بودم، تهی از خویش
با خیال دور و نزدیکش
دیدم از حسرت فروغزید
روزهای رفته را دیدم

چون رگی از خون ما پر بود	کوچه ی میعاد ما ، هر شب
بوسه ها گرم و نفس بر بود	خنده ها طعمی گوارا داشت
پلک سنگین مرا می بست	بوی باران خورده ی دیوار
تا به بوی خک می پیوست	عطر زلفش در هوا می گشت
تن چو پیچک بر تنم می دوخت	ناگه از فرورفتن فرو می ماند
بوسه لب های مرا می سوخت	تا از آن مستی به هوش ایم
یاد از آن شب ها که می دانی	راستی ای مونس دیرین
روزهای سرد بارانی	کوچه های پیچ پیچ شهر
بغض باران در گلوی اوست	آسمان ، امشب ندارد ماه
کوچه گرم از گفتگوی اوست. نادرپور	ناودان با خویش در نجواست

خوش باورانه و ساده دلانه است که تصور کنیم آمریکا با لشکرکشی نظامی افغانستان و عراق ، واقعا قصد داشت دارد که به میل و اراده خود ، در این کشورها حکومت های دموکراتیک مستقر گردد. بوش پس از انتخاب شدن به عنوان رئیس جمهور آمریکا در جریان تهدیدات تروریستی بوده است و در صدد بوده است که راهبرد جدیدی برای مقابله با این تهدیدات تدوین نماید. اما حوادث یازدهم سپتامبر موجب شد رویکردی عملیاتی در مبارزه با تروریسم در سیاست خارجی آمریکا آغاز شود . بدون در نظر گرفتن اینکه عامل اصلی و طراحان واقعی عملیات تروریستی یازدهم سپتامبر چه کسانی و یا چه گروهی بوده است این رویداد از ویژگی های خاص خود برخوردار است برای اولین بار یک تهدید تروریستی بی سابقه در داخل خاک آمریکا بوقوع پیوست که از ابعاد وسیع اقتصادی سیاسی ، اجتماعی برخوردار بود . امنیت آمریکا به عنوان دولتی که سرزمین امن خوانده می شود به مخاطره افتاد که این تهدید به خودی خود می توانست به یک فرصت طلایی برای تثبیت سیاست یکجانبه گرایی آمریکا تبدیل شود. که در نهایت به عملیاتی کردن نظم نوین جهانی منجر شود. افکار عمومی آمریکا پس از حوادث یازدهم سپتامبر آمادگی لازم برای مبارزه با تروریسم را پیدا کرده بود که با لا رفتن یکباره محبوبیت جرج بوش که سیاست مبارزه با تروریسم را در دستور کار خود قرار داده بود شاهدهی بر این مدعا می تواند باشد . به عنوان اولین اقدامات عملی علیه منافع آمریکا و تلاش برای دستیابی به سلاح های کشتار جمعی از سوی دولت های خطرناک به عنوان شواهد تروریسم فرار گرفته به همین بهانه افغانستان و عراق مورد توجه نو محافظه کاران به عنوان نمادهای تروریسم حامی آن آمریکا واقع شدند . هم زمان با حملات آمریکا نیروهای ائتلاف به افغانستان و در پی آن به عراق طرح خاورمیانه بزرگ به عنوان طرحی که می تواند منافع صدور تروریسم را از بین ببرد در محافل مختلف مطرح شد . طرح خاورمیانه بزرگ قرار است با بسط و گسترش دموکراسی در منطقه خاورمیانه مانع رشد تروریسم در منطقه شود . حامد کرزی، رییس جمهوری افغانستان گفته است نسبت به اتهامات مربوط به سوء رفتار نیروهای آمریکایی با زندانیان در پایگاه هوایی بگرام دچار حیرت شده است. این اتهامات از طریق یک تحقیق اردوی آمریکا که به نشریه نیویارک تایمز درز کرده، مطرح شده است و در یک مورد آن ادعا شده که یک مرد پس از آنکه ظرف ۲۴ ساعت صد بار مورد ضرب و شتم قرار گرفت، درگذشته است. کرزی خواستار مجازات آن دسته از سربازان آمریکایی شده که گفته می شود مرتکب این سوء رفتار شده اند. وی گفت برای ریشه کن کردن این رفتارها و پیدا کردن اینگونه افراد باید اقدامات صریح و مشخص صورت گیرد. رئیس جمهور در پی انتشار جزئیات تازه ای از آنچه ادعا می شود رفتار بسیار خشن نیروهای آمریکایی با زندانیان در میدان بگرام بوده است، این مطلب را بیان کرد. کرزی اقدام سربازان آمریکایی را محکوم کرد و آن را غیرقابل قبول خواند. وی در پاسخ به این سوال که آیا در ملاقات با جورج بوش، رییس جمهوری آمریکا نیز این موضوع را مطرح خواهد کرد یا نه، گفت: "به طور قطع." وی همچنین بار دیگر این موضوع را مطرح کرد که تمامی افغان هایی که در اسارت آمریکا هستند، چه در افغانستان و چه در پایگاه گوانتانامو، به دولت تحویل داده شوند. سخنگوی کرزی نیز گفته است : سربازانی که گفته می شود در مرگ دو تن از زندانیان افغان و بدرفتاری با سایرین نقش داشته اند باید مجازات شوند. جزئیات مربوط به نحوه مرگ این دو زندانی و ادعاهایی که حاکی از بدرفتاری با سایر زندانیان است، توسط روزنامه نیویارک تایمز فاش شد.

این روزنامه گزارش خود را به نقل از یک سند دو هزار صفحه ای که بخشی از تحقیقات اردوی آمریکا بوده و به بیرون درز کرده تهیه کرده است. علاوه بر این موضوع، سفر چهار روزه کرزی به آمریکا همچنین می تواند تحت الشعاع تظاهرات خشونت آمیز ضدآمریکایی در هفته گذشته در پی ادعاهایی توسط مجله نیوزویک دایر بر "اهانت به قرآن" در بازداشتگاه گوانتانامو - که این نشریه اکنون آن را پس گرفته است- قرار گیرد. حامد کرزی، از متحدان آمریکا که در پی سقوط طالبان در اواخر سال ۲۰۰۱ به قدرت رسید، اخیراً از "اشتباهات نظامی آمریکا" در افغانستان سخن گفته است. روزنامه نیویارک تایمز می گوید دو زندانی که در ماه دسامبر سال ۲۰۰۲ میلادی در بازداشتگاه بگرام جان باختند، مکرراً مورد ضرب و شتم قرار گرفته بودند. مقام های واشنگتن گفته اند که بدرفتاری

ها موضوع یک رشته تحقیقات است و مسوولان آن پاسخگو خواهند بود. نیویارک تایمز ادعا می کند که بدرفتاری به این دو نفر محدود نبوده است. اما یک سخنگوی پنتاگون گفت که نیویارک تایمز سعی دارد از مواد کهنه خبری تازه بسازد و افزود تحقیقات جاری "بسیار جدی و مشروح بوده است." این سخنگوی گفت: "معیار، همواره رفتار انسانی برای کلیه افراد تحت بازداشت بوده است. وقتی این معیار رعایت نشود ما اقدام می کنیم." نیویارک تایمز گفت این گزارش را از شخصی که در تحقیقات ارتش آمریکا دست داشته و به شیوه های بازجویی مورد استفاده در بازداشتگاه بگرام، در شمال کابل، و تحقیقات متعاقب آن انتقاد داشته دریافت کرده است. رفتار با دو افغان که در دسامبر ۲۰۰۲ حین بازداشت درگذشتند بخش اصلی گزارش تحقیقی ارتش آمریکا را تشکیل می دهد.

جان باختگان یک راننده تاکسی ۲۲ ساله به نام دلاور و مرد دیگری به نام حبیب الله هستند. نیویارک تایمز شرح دقیقی از گزارش اردوی آمریکا درباره رفتار با این دو را ارائه کرده است. این گزارش می گوید دلاور برای مدت چهار روز از مچ دست به سقف سلول خود آویزان شده بود در حالی که در این مدت زندانبان ها به پاهای او شلاق می زدند. وی در این حالت، دو ساعت پس از حمله ای به یک پایگاه هوایی آمریکادبگرام صورت می گیرد، بار دیگر مورد بازجویی قرار گرفت. وی پس از بازجویی برای زنجیر شدن به سقف به سلول بازگردانده شد و پیش از رسیدن داکتر درگذشت. این گزارش می گوید که اکثر بازجویان باور داشتند که او یک راننده تاکسی بیگناه است که به طور تصادفی در زمان وقوع حمله به پایگاه آمریکا از محل حادثه عبور می کرد. اردوی آمریکا ابتدا گفته بود که هیچ نشانه ای از شکنجه به عنوان علت مرگ این دو نفر وجود نداشته است و تکنیک های بازجویی شیوه های "عموماً مورد قبول" بود. اما در پی یک تحقیق مفصل تر در ماه اکتبر گذشته معلوم شد که ۲۷ سرباز با اتهامات احتمالاً جنایی روبرو هستند. هفت نفر از آنها تاکنون رسماً متهم شده اند، اما کسی محکوم نشده است. نیویارک تایمز می نویسد:

"این دوسیه تصویرگر وضعیتی است که نقش سربازان جوان با آموزش کم در موارد مکرر بدرفتاری را آشکار می کند. رفتارهای خشن ... از این دو مرگ بسیار فراتر می رود." سایر بدرفتاری های گزارش شده از جمله شامل وادار کردن یک زندانی به بوسیدن بوتهای های بازجویان و وادار کردن زندانی دیگر برای برداشتن در ظرف های پلاستیکی از میان بشکه ای انباشته از آب و مدفوع است. همچنین ادعا شده است که یک بازپرس زن آمریکایی، روی گردن یک زندانی ایستاده و در موردی دیگر، به آلت تناسلی یک زندانی دیگر لگد زده است. یکی از سربازان به محققان گفت که با افراد تحت بازداشت به عنوان تروریست رفتار می شد مگر غیر آن ثابت شود و اینکه کنوا نسیون ژنو تنها در مورد اسرای جنگی صادق بود. همچنان کرزی می گوید: نیروهای آمریکایی در جریان عملیات نظامی خود علیه نیروهای وفادار به دولت سابق طالبان و مظنونین به فعالیت های تروریستی، مرتکب اشتباهاتی شده اند. رییس جمهور با ذکر اینکه این اشتباه ها باعث ایجاد جوی از عصبانیت و بیزاری در افغانستان شده، قول داد آن را جبران کند.

کرزی، این بیزاری در خشونت هایی که در جریان تظاهرات اخیر در جلال آباد و دیگر شهرهای افغانستان بروز کرد، نقش داشت. این اعتراض ها در پی انتشار اتهامات مربوط به توهین به قرآن مجید در بازداشتگاه آمریکایی ها در گوانتانامو صورت گرفت و در جریان آن، دست کم شانزده نفر کشته شدند. مقامات سازمان ملل متحد نیز درخواست خود از آمریکا برای انجام تحقیقات در خصوص اتهامات بدرفتاری با زندانیان افغانستان در بگرام در شمال کابل، را تکرار کرده اند. ژان آرنو، نماینده ویژه سازمان ملل متحد در افغانستان گفته است که چنین مواردی از بدرفتاری با زندانیان "کاملاً غیر قابل قبول" است. اظهارات آرنو در یک بیانیه از سوی دفتر وی در کابل منتشر شد. سازمان «دیده بان حقوق بشر» از آخرین فضاحت افشاء شده، پرده برداشته است: دو زندانی افغانی در دسامبر ۲۰۰۲ در بگرام پس از شکنجه شدن توسط سربازان آمریکایی جان سپردند. سازمان غیردولتی «دیده بان حقوق بشر» با استناد به گزارش های داخلی اردو که به طور محرمانه تهیه شده، تأیید می کند که دو زندانی مقتول - یک ملا و یک راننده تکسی بیست و دو ساله - در حالت ایستاده به زنجیر کشیده شده و سپس تا سرحد مرگ زیر ضربات مشت و لگد قرار گرفتند.

بیست و هشت سرباز آمریکایی در این جنایت ها شرکت داشته ولیکن فقط دوتن از آنان مورد بازجویی قرار گرفتند. مع الوصف "جون فیستون" عضو سازمان «دیده بان حقوق بشر» فاش می کند که "گزارش اردو نشان می دهد که اکثر بازداشت شدگان در پایگاه "بگرام" مرتباً مورد ضرب و شتم قرار می گیرند و این یک امر جاری "روزمره می باشد." فرا تر از این او افشاء می کند که: "بر اساس بررسی های ویژه خود ما تقریباً تمامی زندانیان که بعداً شهادت دادند، گفتند که در سال ۲۰۰۲ متحمل بدرفتاری شدند." پنتاگون که ظاهراً سیاست آن در مخالفت با شکنجه می باشد، در این مورد سیاست سکوت کامل اتخاذ کرده است. بر اساس گزارش سازمان «دیده بان حقوق بشر» سازمان سیا نیز به همان اندازه مشارکت سربازان آمریکایی، و بدون کوچک ترین تشویشی، در این جنایات نقش ایفاء کرده است. سازمان غیردولتی «دیده بان حقوق بشر» می پرسد چه شده است که "هیچ یک از اعضاء سازمان سیا مورد تعقیب قرار نگرفته اند، در حالیکه آن ها در بازجویی زندانیان نقش اصلی را داشته اند." و همچنان روزنامه انگلیسی زبان اوت لوک چاپ کابل اظهارات اخیر جورش بوش رییس جمهور آمریکا در مورد ادامه جنگ با تروریسم را نقد کرده

است. ژنرال جیمز جونز، فرمانده عالی عملیاتی ناتو با اذعان به اینکه مقاومت شدید طالبان و ادامه نآرآمی‌ها و حملات، نیروهای ائتلاف را حیرت‌زده کرده گفته است، اکنون يك جنگ تمام عیار در جریان است و این يك مأموریت ساده صلح‌بانی نیست. به همین دلیل ناتو برای نیروهای خود در افغانستان قوانین کاری جدیدی تدوین و اعلام کرده است. اکنون ناتو رفته رفته کنترل سراسر افغانستان را در دست گرفته است.

فرماندهان انگلیسی در جنوب افغانستان اجازه یافته‌اند که از موشک‌های جنجال‌برانگیز «هیدا» استفاده کنند که می‌تواند تجمعات مردمی را به طور دقیق هدف بگیرد. فرماندهان همچنین اجازه یافته‌اند علیه طالبان به حملات هوایی متوسل شوند و دست به حملات پیش‌دستانه بزنند و شبیخون تدارک ببینند. یکی از فرماندهان انگلیسی مستقر در افغانستان در این باره به يك خبرنگار گفته است: شدت و قدرت حملات روزانه در افغانستان بسیار فراتر از عراق است. متوسط مرگ و میر روزانه نیروهای ۱۸۵۰۰ نفری ناتو در هفته پنج نفر است که این معادل تعداد کشته‌های سربازان شوروی در دهه ۱۹۸۰ در افغانستان است.

فرماندهان سابق شوروی در افغانستان اخیراً در گفت‌وگویی با روزنامه ساندي تلگراف گفتند، نیروهای ناتو سرانجام مجبور به فرار از افغانستان خواهند شد. ژنرال «بوريس گراموف» فرمانده عمل‌گرای نیروهای شوروی که ناظر بر عقب‌نشینی نیروهای این کشور از افغانستان در سال ۱۹۸۹ بوده هشدار داده است که مقاومت در افغانستان روبه‌رشد است. این فرمانده روس گفته است: مقاومت در افغانستان کاملاً قابل درک و طبیعی است چون قرن‌ها سنت، جغرافیا، مذهب و شرایط آب و هوایی در پس آن نهفته است. افغان‌ها همواره در برابر نیروی خارجی اختلافاتشان را کنار گذاشته و متحد شده‌اند. ائتلاف به رهبری آمریکا در افغانستان هم‌اکنون تهدیدی برای این ملت به شمار می‌آید. جونز خواستار ۲۵۰۰ نیروی بیشتر در چارچوب نیروهای ناتو شده است. اما کشورهای مهم عضو ناتو مانند ترکیه، فرانسه، آلمان، اسپانیا و ایتالیا از اعزام نیروی بیشتر سرباز زده‌اند. در واقع معلوم نیست که اعزام نیروی بیشتر واقعاً تأثیری در شرایط کشور افغانستان دارد یا نه. سر سیریل تاون سند نویسنده و سرباز سابق انگلیسی اخیراً در روزنامه الحیات نوشت، غلبه بر طالبان و القاعده در جنوب شرق افغانستان به دست‌کم ده هزار نیروی دیگر که آموزش دیده و حرفه‌ای باشند نیاز دارد. بنابراین بحران عظیمی برای ناتو در حال شکل‌گیری است. اعتبار این سازمان در خطر است. به همین دلیل فرماندهان انگلیسی و همچنین فرماندهان ناتو درباره خطر شکست در افغانستان هشدار جدی می‌دهند.

اکثر تحلیل‌گران و ناظران بین‌المللی بحران در حال شکل‌گیری و روبه‌رشد در افغانستان را مورد توجه قرار می‌دهند. در این میان هر يك دیگری را سرزنش می‌کند و مقصر می‌داند. این سرزنش‌ها بیشتر از همه واشنگتن را هدف گرفته که نیروی کافی به افغانستان اعزام نکرده است.

بعضی می‌گویند که جنگ عراق همه توجه و امکانات دولت آمریکا را معطوف به خود کرده و دیگر هیچ جایی برای به سامان رساندن اوضاع افغانستان باقی نگذاشته است.

بعضی دیگر، اعضای اروپایی ناتو را مسئول می‌دانند که بیش از حد مرعوب شده‌اند. دامنه این انتقادات فقط به کشورهای محدود نمی‌شود. اکثر تحلیل‌گران امور افغانستان می‌گویند «تریاک» همچنان دشمن شماره يك نیروهای ائتلاف در افغانستان است و عملیات مبارزه با این محصول شکست خورده است.

محور دست‌های دیگر از انتقادات این است که سیاست منطقه‌ای آمریکا در دوران دولت بوش بر محور غفلت از ملت‌سازی استوار شده و واشنگتن منابع مالی و غیرمالی کافی برای بازسازی افغانستان اختصاص نداده است. این دسته از منتقدان شرایط کنونی افغانستان بعد از جنگ را با شرایط تی‌مور و بوسنی بعد از جنگ مقایسه می‌کنند و می‌گویند منابع اختصاص داده شده به آن دو کشور بسیار بیشتر از منابع اختصاص داده شده به بازسازی افغانستان بوده است. همه این انتقادات تا حدی حقیقت دارد. اما نکته اصلی اکنون بحرانی که وجود دارد و روزبه‌روز ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند. واقعیت آن است که آمریکا نتوانسته استراتژی سیاسی و نظامی روشنی در افغانستان تدوین کرده و به اجرا بگذارد.

شرایط کنونی افغانستان با مأموریت‌های موفق صلح‌بانی در بالکان هم مقایسه می‌شود. ژنرال ولسلی کلورک؛ فرمانده ارشد سابق ناتو اخیراً در مقاله‌ای در نشریه نیوزویک نوشت: برای موفقیت در افغانستان باید به درس‌هایی که در بالکان گرفته شد توجه کنیم. ما باید حجم و اندازه این مأموریت را مورد توجه قرار دهیم. از اقتدار و توان جامعه بین‌المللی حداکثر استفاده را بکنیم. ناتو کارهایی بسیار فراتر از تأمین نیرو می‌تواند انجام دهد. ما می‌توانیم بازسازی و ملت‌سازی کنیم».

اما مشکل افغانستان با شرایط جمهوری‌های سابق یوگسلاوی متفاوت است. اولین و مهمترین تفاوت ماهیت مداخله نظامی آمریکا در افغانستان است. در روزهای بعد از ۱۱ سپتامبر و در شرایطی که همه دنیا با آمریکا ابراز همدردی می‌کرد؛ هیچ‌کس درباره توجیه‌پذیر بودن تصمیم واشنگتن برای حمله به افغانستان سؤالی نکرد و جامعه جهانی به راحتی قانع شد. اما این قانع شدن زودرس مانع از آن نشد تا این حقیقت فراموش شود که واشنگتن می‌توانست به جای مداخله مستقیم نظامی از نیروهای ضدطالبان حمایت نظامی، دیپلماتیک و سیاسی کند. در این راه آمریکا می‌توانست از حمایت نیروهای استفاده کند که به رهبری ظاهرشاه نوعی دولت در تبعید در خارج تشکیل داده بودند.

در این صورت نوعی راحل افغانی مطابق با فرهنگ و سنت این کشور برای ریشه‌کنی معضل طالبان به دست می‌آید. اما دولت بوش از روی عمد این گزینه را انتخاب نکرد و تصمیم به حمله نظامی گرفت. افغانستان برای دولت بوش آزمایشگاهی بود برای آزمودن دکترین حمله نظامی پیش‌دستانه، سیاست یکجانبه‌گرایی و تشکیل ائتلاف ضدجنگ. واشنگتن می‌دانست بدون حضور قدرتمند در افغانستان نمی‌تواند ژئوپلیتیک منطقه را تغییر دهد و سیاست جهانی جدید خود را به اجرا بگذارد.

ابتدا قرار بود مداخله نظامی آمریکا فقط به عملیات هوایی محدود شود تا به نوعی ائتلاف شمال مورد حمایت قرار گیرد. اما ناگهان نیروهای زمینی ارتش آمریکا در فرودگاه بگرام پیاده شدند و این اعتراض ائتلاف شمال را به دنبال داشت. رهبران غیرپشتون ائتلاف شمال تصور می‌کردند با برکناری طالبان آنها به کرسی قدرت باز خواهند گشت. همسایگان افغانستان هم چنین شرایطی را پیش‌بینی می‌کردند. از سوی دیگر واشنگتن به اسلام‌آباد اطمینان داده بود که دولت اکثریت پشتون در کابل در حال شکل‌گیری است و عواملی هم از طالبان در ساختار جدید قدرت افغانستان حضور خواهند داشت.

عبدالحق از رهبران شناخته شده مجاهدین انتخاب اول آمریکا برای رهبری دولت جدید افغانستان بود. وقتی کنفرانس بن در دسامبر ۲۰۰۱ برگزار شد، واشنگتن برنامه‌ای دو منظوره در سر داشت، از یک سو می‌خواست جانشینی برای «عبدالحق» بیابد و دوم اینکه فکر حکومت کردن در کابل را از سر رهبران ائتلاف شمال خارج کند. وقتی آمریکا نام حامد کرزی را در بن مطرح کرد با مخالفت گروه‌های افغان روبه‌رو شد.

کرزی جایگاه خوبی به عنوان یک رهبری سیاسی در افغانستان نداشت چون سال‌های گذشته را در تبعید به سر برده بود و از آن مهتر اینکه به قبیله مهمی تعلق نداشت. اما آمریکا بر انتخاب خود پافشاری کرد. برهان الدین ربانی در آن زمان گفت: امیدوار است این آخرین بار باشد که مردم با عزت و غرور افغانستان مرعوب و مغلوب خارجی‌ها شوند.

همه کسانی که با فرهنگ و جامعه افغان آشنا بودند از همان آغاز پیش‌بینی می‌کردند که کرزی نمی‌تواند به طور کامل بر سراسر کشور حکومت کند. تلاش‌های آمریکا هم برای تحکیم جایگاه کرزی با شکست روبه‌رو شد. اکنون در افغانستان مشکل جدی مشروعیت قدرت دولت وجود دارد. فوری‌ترین نیاز کنونی در افغانستان ضرورت برقراری گفت‌وگو میان افغان‌ها و با حضور طالبان است. این ابتکار عمل باید تحت نظارت سازمان ملل صورت گیرد. پیش‌بینی وقایع پیش‌رو واقعاً دشوار است. حتی با اضافه شدن ۲۵۰۰ نیروی دیگر ناتو به افغانستان، معلوم نیست طالبان واقعاً شکست بخورد. طالبان از حمایت بعضی اعضای طبقه عوام جامعه افغانستان برخوردار است. اشغال یک کشور استراتژیک و مهم منطقه توسط ائتلاف غرب بدون شک پیامدهای جدی دارد. بدون شک شکست ناتو در افغانستان به معنی فروپاشی طرح آمریکا برای سلطه و غلبه بر آسیای میانه، جنوب آسیا و خلیج فارس است.

از جانب دیگر در پی افزایش عملیات نظامی ناتو در افغانستان و کشته شدن تعداد زیادی از مردم عادی در ماه‌های اخیر، بزرگان ولایت ارزگان درباره تداوم عملیات ناتو هشدار دادند. بزرگان ولایت ارزگان تهدید کردند، در صورت ادامه عملیات مستقل از سوی ناتو، مردم این منطقه منازل خود را ترک خواهند کرد. بزرگان ولایت ارزگان در دیدار با قیوم کرزی نماینده ولایت قندهار اعلام کردند، ناتو باید عملیات نظامی خود را با نیروهای امنیتی افغانستان به صورت هماهنگ انجام دهد. بزرگان اقوام ارزگان تأکید کردند که بازرسی شبانه منازل مردم توسط ناتو، خلاف فرهنگ مردم منطقه است و باعث افزایش اعتراضات مردمی می‌شود. سیاست‌های ناتو در تقابل با منافع ملی افغانستان قرار دارد. با سرنگونی طالبان و تشکیل دولت ملی در افغانستان، انتظار می‌رفت نیروهای ناتو و آمریکا تلاش خود را در جهت تقویت دولت کرزی و ارتش ملی متمرکز کنند. اما شرایط کنونی افغانستان نشان می‌دهد که عملکرد ناتو و آمریکا در راستای کمک به گسترش نفوذ دولت ملی در نقاط مختلف افغانستان نبوده است. نیروهای آمریکا و ناتو بدون در نظر گرفتن نیازهای اصلی افغانستان، تنها به دنبال تحقق منافع و اهداف بلند مدت خود در این کشور هستند. نیروهای خارجی در افغانستان مدعی تلاش برای تأمین امنیت، مبارزه با مواد مخدر و تروریسم هستند، اما آمار بیانگر آن است که خشونت‌ها تشدید شده و تجارت مواد مخدر نیز گسترش چشمگیری یافته است. سازماندهی مجدد گروه طالبان در افغانستان نیز از دیگر آثار ناکارآمدی ناتو و آمریکا در مبارزه با تروریسم است.

در ماه‌های اخیر نیروهای ناتو و آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم، عملیات نظامی گسترده‌ای را در مناطق مختلف افغانستان خصوصاً در جنوب این کشور انجام داده‌اند که بیشترین آسیب‌ها را به مردم عادی زده است. بمباران هوایی مناطق مسکونی توسط ناتو آمریکا که مدعی پناه گرفتن تروریست‌ها در آن مکان‌ها هستند، خشم مردم افغانستان را برانگیخته است. در شرایطی که فقر و ناامنی حیات اجتماعی و اقتصادی جامعه افغانستان را تهدید می‌کند، افزایش کشتار غیرنظامیان، مردم این کشور را به شدت ناراضی کرده است. کارشناسان سیاسی معتقدند که افزایش ناراضی‌های عمومی در افغانستان، بیش از همه به تضعیف جایگاه دولت کرزی منجر می‌شود. زیرا مردم افغانستان توقع دارند دولت ملی با سیاست‌های یکجانبه‌گرایی و آمریکا مقابله کند. محافل سیاسی افغانستان دولت کرزی را به دلیل برخورد نرم با سیاست‌های خشن ناتو و آمریکا به شدت مورد انتقاد قرار داده‌اند. مردم افغانستان

تأکید می کنند که مخالفت دولت کرزی با سیاست های غرب و همچنین افزایش اعتراضات مردمی باعث تقویت جبهه ملی در برابر نگاه سود جویانه آمریکا و ناتو به افغانستان خواهد شد. بنابراین اجرای عملیات مستقل ناتو بدون هماهنگی با نیروهای امنیتی افغانستان، علاوه بر بروز خشم مردم این کشور، جایگاه دولت کرزی را نیز مخدوش می کند. به نظر می رسد سیاست های آمریکا ناتو در افغانستان که مغایر منافع ملی این کشور است، تنها به تقویت جبهه مردمی ضد اشغال منجر می شود.

نیاز افغانستان به کمک مالی



خشمگین و مست و دیوانه ست
خاک را چون خیمه ای تاریک و لرزان بر می افرازد
باز ویران می کند زود آنچه می سازد
همچو جادویی توانا، هر چه خواهد می تواند باد
پیل ناپیدای وحشی باز آزاد است
مست و دیوانه
بر زمین و بر زمان تازد
کوبد و آشوبد و بر خاک اندازد
چه تناورهای برو مند
و چه بی برگان ... را
که تکانی داد و از بن کند
خانه از بهر کدامین عید فرخ می تکاند باد ؟
لیکن آنجا، وای
با که باید گفت ؟
بر درختی جاودان از معبر بذر بهاران دور
وز مسیر جویباران دور
ایانی بود، مسکین در حصار عزلت محصور
آشیان بود آن، که در هم ریخت، ویران کرد، با خود برد
ایا هیچ داند باد ؟! اخوان ثالث

مقامات از کمک های جدید جامعه بین المللی که در جریان کنفرانس برلین وعده داده شد، استقبال کرده اند. کشورهای کمک دهنده به افغانستان متعهد شدند طی سه سال مبلغ هشت میلیارد دلار برای بازسازی این کشور بپردازند، اما این رقم، چهار میلیارد دلار کمتر از مبلغی است که افغانستان برای سه سال تقاضا کرده بود. طرفداران افغانستان با فهرستی عریض و طویل از تقاضاهای این کشور مواجه هستند و نیازهای این کشور برای بازسازی و توسعه در صدر این فهرست قرار دارد. برخی تحلیل گران می گویند کنفرانس قبلی، که در توکیو برگزار شد، نتوانست میزان نیاز مالی افغانستان را، که پس از دو دهه تخریب و جنگ از فقیرترین کشورهای جهان محسوب می شود، به درستی ارزیابی کند. بخش عمده کمک های مالی که افغانستان تاکنون دریافت کرده صرف نیازهای فوری انسانی در این کشور شده است. اما به تدریج موضوعات مربوط به شرایط امنیتی و کنترل تولید مواد مخدر غیرقانونی، که یک بار دیگر از اصلی ترین راه های معاش در جامعه افغانستان قلمداد می شود، در مرکز توجه قرار می گیرد. به گفته سازمان ملل متحد، نیمی از تولید ناخالص داخلی افغانستان مربوط به درآمد حاصل از تولید مواد مخدر غیرقانونی بوده است. وجوه نقدی که از فروش مواد مخدر غیرقانونی از افغانستان خارج می شود در این آمار منظور نشده است. مقامات در وزارت مالیه افغانستان همواره هشدار داده اند که اگر به مسائل مربوط به توسعه این کشور - برای مثال راه های جدید معاش - در دراز مدت توجه نشود وابستگی به تولید مواد مخدر غیرقانونی افزایش خواهد یافت. روند سیاسی افغانستان نیز به شدت محتاج کمک مالی است.

اما در حالی که هنوز این کشور نتوانسته ابتدایی ترین نیازهای امنیتی خود را تامین کند. این موضوع باعث شده فشارها برای گسترش حیطه عملیاتی نیروهای بین المللی کمک به امنیت افغانستان، ایساف، افزایش یابد و نیاز به حمایت مالی از ارتش ملی و نیروی پولیس این کشور میرم تر شود. طرفداران افزایش کمک مالی به افغانستان، استدلال می کنند که این کشور در مقایسه با دیگر کشورهای بحران زده از حمایت کمتری برخوردار بوده است. برای مثال، کمک سرانه برای توسعه افغانستان (بدون در نظر گرفتن وعده ها در کنفرانس برلین)، یک دهم عراق و یک چهارم تیمور شرقی است. خبر خوشی که در جریان کنفرانس برلین مطرح شد این بوده است که افغانستان از یادها نرفته و جامعه بین المللی نشان داده که همچنان حاضر به اهدا کمک های اقتصادی به این کشور است. در مقابل خبر بد این است که افغانستان برای رسیدن به یک دموکراسی پایدار همچنان به کمک های بیشتری نیاز دارد.

ربانی: علیه طالبان نخواهیم جنگید



دو رنگی کهنه کاری صحنه سازی
تو شمع ما نیی پروانه بازی.

تو از عشق حقیقی بی نیازی
تو یار ما نیی عاشق تراشی

"برهان الدین ربانی" اعلام کرد که "علیه طالبان نخواهیم جنگید". ربانی در مصاحبه اختصاصی با روزنامه "واکیت" ترکیه با ابراز این نظر و تأیید "دیدار برخی رهبران ائتلاف شمال افغانستان با طالبان" گفت: "دیدار برخی گروه های ائتلاف شمال صحت دارد. ولی من با طالبان دیداری نداشته ام." وی با اعلام این که "در صورت ورود طالبان به کابل، با نیروهای طالبان نخواهد جنگید"، گفت: "در صورتی که طالبان قدرت را در افغانستان به دست بگیرد و اقدام به قتل مردم کرده و علیه اسلام فعالیت کند، در چنان صورتی با طالبان وارد نبرد خواهیم شد." به گفته ربانی برای ورود نیروهای طالبان به کابل، آن گروه می باید حمایت تمامی گروه های افغانی را جلب کند. چرا که در غیر این صورت امکان ورود طالبان به کابل بسیار دشوار خواهد بود." ربانی در مورد نیروهای ناتو مستقر در افغانستان گفت:

"نیروهای ناتو در ابتدای ورود فعالیت های خوبی در افغانستان داشتند و در راستای بهبود وضعیت مالی مردم افغانستان و گشایش مدارس فعالیت می کردند. ولی مسیر فعالیت های ناتو بعداً تغییر یافته و دولت مرکزی به دست افراد ناصالح سپرده شده و نیروهای ناتو علیه دین اسلام و فرهنگ افغانستان فعالیت های خود را آغاز کرده اند و در نتیجه این روند، مردم افغانستان از نیروهای ناتو دلخوشی ندارند و اکنون خواهان خروج نیروهای آمریکایی و ناتو از خاک کشورشان هستند." وی در مورد نیروها ترکیه مستقر در افغانستان که در چارچوب نیروی ناتو در آن کشور به سر می برند، گفت: "ناتو خواهان برخورد نیروهای ترکیه ای با مقاومت کنندگان در مناطق جنوبی افغانستان است. ولی نیروهای ترکیه نباید از کابل خارج شوند. چرا که دیگر مناطق افغانستان، مناطق بسیار پر خطری هستند." ربانی با عنوان این که به دلیل مسلمان بودن نیروهای نظامی ترکیه، مردم افغانستان به این نیروها علاقه مند هستند، گفت:

"در صوت درگیری نیروهای نظامی ترکیه با مقاومت کنندگان افغانی، علاقه مردم افغانستان به نیروهای نظامی ترکیه نیز از میان خواهد رفت." وی در ارزیابی عملکرد گروه القاعده گفت: "القاعده در دوران نبرد مردم افغانستان علیه نیروهای روسیه، عمدتاً از اتباع عرب که برای رهایی مردم افغانستان به این کشور آمده بودند، تشکیل شده و در نبرد افغانیها با نیروهای روسیه، یار افغانیها بودند. ولی بعد از خروج نیروهای روسیه، القاعده نمی باید خود را درگیر مسائل داخلی افغانستان می کرد." وی با "قبول آشنایی خود با بن لادن" گفت: "بن لادن مساله ای با مردم افغانستان ندارد و هدف وی از میان برداشتن آمریکا است." برهان الدین ربانی برای شرکت در اولین نشست بین المللی "تفکر ملی اندیشمندان کشورهای اسلامی" که روزهای شنبه و یکشنبه هفته جاری با حضور "نجم الدین اربکان" نخست وزیر سابق ترکیه در استانبول برگزار شد، به ترکیه آمده است. در این نشست که "بنیاد تحقیقات اقتصادی و اجتماعی" با حمایت "نجم الدین اربکان" برگزار کرده، اندیشمندان ۵۰ کشور اسلامی "توسعه همکاری های کشورهای اسلامی بر اساس منشور کشورهای گروه دی - هشت" را مورد بحث و تبادل نظر قرار دادند.

مصاحبه الحيات با حکمتيار



نسیمی بوی فروردین نیورد
چرا گل با پرستو همسفر نیست؟

بهار آمد، گل و نسرین نیورد
پرستو آمد و از گل خبر نیست

حکمتيار يکي از جنجالي ترين شخصيتهاي افغاني اسلامي است. زماني که وي دانشجوي دانکنده مهندسي کابل بود جنبش اسلامي افغانستان نیز در حال شکل گرفتن بود. حکمتيار دران زمان در فعاليتهاي انقلابي برضد ظاهر شاه پادشاه سابق افغانستان به صورت مستقيم شرکت ميکرد. وي درعين حال با ذهنيت سنتي رايج در جنبش اسلامي مخالفت کرد و خود را ادامه دهنده راه جماعت اخوان المسلمین مصر دانست. دیدار با گلبدین حکمتيار نخست وزير سابق افغانستان که چندي پيش محل سکونت او در ايالت کونار هدف موشکهاي امريکايي قرار گرفت از نظر امنيتي کار بسيار دشواري است. به همین علت روزنامه الحيات سوالاتي براي حکمتيار فرستاده و پاسخ اين سوالها را با خط خود حکمتيار دريافت کرده است.

متن اين پرس و پاسخ به شرح زير است: سوال : گلبدین حکمتيار اوضاع کنوني افغانستان و نقش حزب اسلامي رادراين کشور چگونه ارزيابي ميکنيد؟ جواب: مقاومت شدت يافته و به نقاط مختلف افغانستان کشيده شده است. نيروهاي اشغالگر از سيطره براي کشور عاجزند و مهم تر اين که امريکاييها نمیتوانند به اهداف خود برسند. هيچ سيطره اي بر گروههاي جهادي نيست اوضاع کشور متشنج گشته و وضعيت امنيتي نابسامان است. امريکا نمي تواند دولتي قدرتمند در کابل تشکيل دهد. همچنين اين کشور (امريکا) نمیتواند از طريق افغانستان به ماوراءالنهر در اسياي ميانه و منابع سرشار از نفت و گاز برسد. در افغانستان کشت مواد مخدر محدود نشده است و طبق گزارشهاي سازمان ملل متحد کشت و توليد مواد مخدر در افغانستان از مرز هشتاد درصد توليد مواد مخدر در سطح جهان فراتر رفته است.

به عقیده من اوضاع کنوني افغانستان شبیه زمان قبل از عقب نشيني نيروهاي روسي از اين کشور است. مقاومت کنوني در افغانستان به دست مجاهداني از حزب اسلامي صورت مي گيرد. حزب اسلامي به تنهائي هجده ماه در برابر اشغالگري مقاومت کرد. الحمدالله مقاومت اينک به تدريج بر برخي مناطق سيطره يافته است و اين روند همچنان ادامه دارد. ترس و نگراني از رويارويي با امريکاييها در ميدان نبرد از بين رفته است. سوال : حکمتيار اينک تحت تعقيب امريکاييها قرار دارد اما بسياري از اعضاي حزب وي وارد پارلمان افغانستان شده اند و پستهاي دولتي را احراز کرده اند. به عقیده شما ايا کساني که وارد پارلمان شده اند از حزب شما جدا گشته اند؟ موضع حزب اسلامي در اين زمينه و همکاري اين افراد با دولت کنوني افغانستان در سايه اشغالگري امريکا چيست؟ جواب: موضع حزب اسلامي شفاف است و حزب اسلامي وضع کنوني افغانستان را شبیه روزهاي اشغالگري روس در افغانستان مي داند تا ديروز کشور ما در اشغال مسکو بود و اکنون ناتو و امريکا اين کشور را اشغال کرده اند. امروز جهاد بر تمام افغانها واجب است و جهان اسلام و به ويژه افغانها بايد براي پايان دادن به اشغالگري در افغانستان جهاد کنند. فعاليت در دولت کنوني کابل مانند همکاري با دولت کمونيستي است اين دولت مزدور بيگانگان است و دولت سابق نیز مزدور مسکو بود. سوال : همه از رشد قدرت جنبش طالبان و مقاومت افغانستان سخن ميگويند جايبگاه حزب اسلامي در نقشه مقاومت افغانستان کجاست؟ نيروهاي اين حزب در کدام منطقه مستقر هستند ؟ توان اين حزب چقدر است؟ جواب : من براي تمام مجاهدان از هر گروه و جماعتي که باشند احترام قائل هستيم و باتوجه به اهداف مقدسي که دارند آنها را مخلص و در خدمت اين اهداف مي دانيم.

همه جهادگران و مقاومت کنندگان برادر ما هستند و حزب اسلامي خانه و جبهه آنها است. حزب اسلامي اينک از نظر مادي و تعداد اعضا مانند گذشته است و ميتوانم ادعا کنم که با توجه به تجربه اي که کسب کرده از گذشته قويتر شده است. حزب اسلامي چيزي از دست نداده است و من تاکيد مي کنم که در افغانستان منطقه اي وجود ندارد که حزب اسلامي دران فعاليت روز افزون نداشته باشد. من ادعا مي کنم که مقاومت به دست حزب اسلامي آغاز شد و

این حزب اسلامی بود که نخستین بار بر ضد اشغالگری امریکا در افغانستان اعلام جهاد کرد. برادران ما در جنبش طالبان چند ان قدرتی نداشتند که بر ضد امریکا اعلام جهاد کنند.

انها در نقاط مختلف افغانستان مستقر نبودند. حزب اسلامی یک سال و نیم در میدان جنگ تنها بود و شما می دانید که بعد از سقوط حکومت طالبان نیروهای امریکایی سعی کردند با بمباران مناطقی که تصور می کردند من در انجا مستقر هستیم از دست من راحت شوند اما موشکهای نیروهای امریکایی به هشتاد متری مکان استقرار من اصابت کرد. سوال: آیا بین حزب اسلامی القاعده و طالبان همکاری وجود دارد؟ نقاط مورد اختلاف و اتفاق بین طالبان و حزب اسلامی کدام است؟ جواب: ما همواره برای یکپارچه کردن و وحدت مجاهدان تلاش می کنیم. ما به مجاهدان حزب اسلامی دستور داده ایم که با تمام کسانی که بر ضد اشغالگران فعالیت می کنند همکاری کنند. به تمام کسانی که در این زمینه گام برمیدارند احترام میگذاریم و به تلاشهای آنها ارج می گذاریم. من بعنوان رهبر حزب اسلامی اعتراف میکنم که متأسفانه همکاری و هماهنگی گسترده در عرصه های مختلف بین حزب اسلامی و طالبان و القاعده وجود ندارد.

سوال: آیا بین شما و ملا محمد عمر برای فعالیت مشترک تماس برقرار شده است آیا رهنمودها و رهبری وی را قبول دارید؟ جواب: با طالبان در خصوص موضوعات مختلف بحث و تبادل نظر کرده ایم اما متأسفانه تاکنون به توافق رسمی نرسیده ایم. برادران فعال در جنبش طالبان به تنهایی و مستقل فعالیت میکنند و ما نیز به تنهایی و مستقل از آنها فعال هستیم. شما میدانید شرایطی است که من ملا محمد عمر و رهبران طالبان قادر به ملاقات با هم نیستیم.

گفتگوی بشردوست عضو پارلمان با رادیو دری ایران



چه پیش آمد؟ کجا شد بانگ بلبل؟
چرا زلف بنفشه سرنگون است؟

چرا خون می چکد از شاخه ی گل
چرا در هر نسیمی بوی خون است؟

سوال: جناب آقای دکتر رمضان بشر دوست هیاتی از زنان و مردانی که از هلمند در اعتراض به ناامنی ها در این ولایت به کابل آمده اند از سیاستهای دولت به ویژه دولت محلی اعتراض و گلّه و شکوائیه داشته اند که در تامین امنیت در این ولایت به طور کلی ناکام است نظر جنابعالی در این زمینه چیست؟

جواب: از زمانی که نیروهای ناتو به رهبری انگلیس با برخی افراد در بعضی مناطق هلمند مثل موسی قلعه موافقتنامه امضاء کردند تا امروز در افغانستان یک جدال لفظی در جریان است مستحضرید سفیر آمریکا هم در مصاحبه مطبوعاتی که داشتند ناراضیاتی خود را از این موافقتنامه اظهار کردند و اینگونه وانمود کردند که آمریکا و مقامات امریکایی در افغانستان قبل از عقد موافقتنامه در جریان قرار داده نشده بودند و جالب این است که سفیر آمریکا تقریباً پس از چند هفته بعد از امضاء موافقتنامه آن هم در یک کنفرانس مطبوعاتی عکس العمل عمومی و علنی نشان دادند که برای ما سوال برانگیز است که چگونه آمریکا در جریان این مذاکره قرار داده نشده بود بخاطر اینکه امکانات استخباراتی امریکادر افغانستان بسیار وسیع است و اینکه چرا امریکائیا از طریق کنفرانس مطبوعاتی در این رابطه عکس العمل و نظر خود در ابراز کردند و چرا اینها در پشت پرده با مقامات انگلیسی این مسئله را مطرح نکرده بودند و راه حلی پیدا نکرده بودند از آن تاریخ که سفیر آمریکا عکس العمل شدید نشان داد تا امروز روز به روز مسئله این موافقتنامه در مطبوعات افغانستان و رسانه های همگانی این کشور اوج می گیرد و معلوماتی که راجع موسی قلعه به ما می رسد زیاد روشن و واضح نیست از یکطرف در مطبوعات خواندم که مدارس بسته شده دوباره باز شده اند از سوی اگر مدارس باز شده باشند نشانگر این است که موافقتنامه با طالبان امضا نشده است بخصوص اگر مدارس دخترانه باشند از سوی دیگر معلومات از شهرها میرسد که اشخاص حاضر در مساجد را لیست برداری و ثبت نام می کنند که اینکار طالبان است که چنین می کردند که ببینند چه کسی نماز می خواند و این اطلاعات متناقض است و معلوم نیست که حقیقت چیست و با چه کسانی موافقتنامه امضا شده است و موضوع چیست اما آنچه مهمتر از همه است این است که امنیت هدف نیست اگر طالبان بخواهند با شیوه خشن خود و نگه داشتن زنان در خانه ها و شلاق زدن افراد و دیکتاتوری امنیت را به این مناطق بیاورند مردم چنین امنیتی را نمی خواهند همانطور که

امنیت حاصله از شیوه دیکتاتوری استالین در روسیه و هیتلر در آلمان مورد پسند مردم نبوده است مردم افغانستان امنیت را به هر قیمتی نمی خواهند امنیت زمینه ای است که حکومتی حاکم باشد تا ارزشها و فرهنگ حاکم باشد. سوال: این عده زنان و مردان که به کابل آمده اند و با کرزی دیدار داشته اند و تقاضای برقراری امنیت در منطقه را داشته باشند و مشکلات آنها حل شود و گر نه حاضر نیستند به هلمند برگردند و تا این حد ناراحت هستند که حاضرند خودسوزی کنند ولی توسط افراد نامعلوم در هلمند از خانه هایشان ربوده شوند؟

جواب: در جریان نیستیم که اینها چه نوع افرادی هستند و از طرف چه کسی آمده اند و اگر در میان نمایندگان هلمند در پارلمان هم دقت کنید اتفاق نظر راجع به مسائل این استان ندارند اگر این اختلاف نمایندگان استان هلمند راجع مسائل حقوقی سیاسی باشد چیز طبیعی است اما درباره چیزی که آنجا می گذرد و اختلاف نظر عمیق میان آنها وجود دارد این جای تامل دارد یک یا از این نمایندگان ادعا می کند که موافقتنامه ایساف با طالبان نیست و با رهبران مردم است و دیگری ادعا می کند که موافقتنامه با طالبان امضا شده است و شهرستان مذکور را بر طالبان داده اند. شایع شده بود که در هلمند هم مدارس بسته شده اند و بعد در رسانه های همگانی گفتند که مردم هلمند در داخل لشکرگاه دست به تظاهرات زده اند چون که اطلاعات غلط و اشتباهی که منتشر می شود متأسفانه مردم عادی توان این را ندارند که از نقطه کوتاهی به نقطه کوتاه دیگر سفر کنند حال این عده که از هلمند به کابل آمده اند و اینکار امکانات و منابع لوژستیکی خاص خود را می خواهد نمی دانم چگونه و از طرف چه کسی اینکار صورت گرفته است و ابهاماتی وجود دارد و می بایستی در این قضایا محتاط بود.

سوال: دولت مرکزی مسئولیت دارد تا مشکلات این چینی بوجود نیاید حال آیا دولت مرکزی را قادر به حل این مشکلات پیش آمده می بینید؟

جواب: در یکی از روزنامه های مشهور آمریکایی دیدیم که از قول سیا گزارشی منتشر شده که نوشته مردم افغانستان امید مطلق خود را به حکومت حامد کرزی از دست داده است و در حکومت کرزی فساد به اوج خود رسیده است و موضوع بازسازی واقعی نیست که در افغانستان موجود باشد.

وقتی سیا CIA به دولت خود این گزارش را می دهد که مردم امید خود را از دست داده اند و بازسازی نیست و فساد به اوج خود رسیده است این بدین معنا است که امروز آمریکاییها هم اعتراف می کنند که دولتی به نام کرزی در واقع وجود ندارد و تمام سخنانی را که تا امروز کرزی بیان کرده است فریبی بیش نبوده است و نیروهای خارجی را نیز فریب داده و هم مردم را به اشتباه انداخت.

سوال: اینکه سیا امروز مسئولیت تمام ناکامیها را در افغانستان به گردن کرزی می اندازد آیا در طول پنج سال گذشته برای انجام عملیاتها و بمبارانهای کورکورانه آمریکاییها که باعث کشته شدن هزاران تن انسان بی گناه شده است آیا برای چنین عملیاتی نیز کرزی اجازه داده بود.

جواب: در عملیاتی که آمریکاییها و نیروهای بین المللی در افغانستان انجام می دهند مسئله موضوع عدم هماهنگی نیست و موضوع صد در صد نظامی است بدین مفهوم که آمریکاییها و نیروهای بین المللی در افغانستان به هیچ صورت حاضر نیستند که تن به تن با طالبان و القاعده و تروریستها جنگ کنند زیرا در این صورت متحمل کشته های زیادی خواهند شد و نمی خواهند و حاضر نیستند برای گرفتن یک تروریست کشته بدهند. سوال: در طول پنج سال گذشته در امور اجرایی کشور آیا واقعا کرزی مستقل بوده است؟

جواب: صد در صد چنین است و بارها گفته ام که اگر مقامات بلند پایه کشور در قاچاق و فساد و رشوه خواری دست داشته باشند این امر به هیچ وجه گناه کشورهای دیگر نیست و حتی شخص اول کشور نتواند اداره ای عاری از فساد بوجود آورد این گناه را نمی توان به گردن کشور دیگری انداخت اخیرا شنیدیم که یک پلیس به خانمی تعرض کرده است و گناه این موضوع را نمی توان به گردن کشورهای دیگر انداخت چون که این پلیس می داند با فساد و قانون شکنی برخورد قاطع صورت نمی گیرد و از سوی شخص اول مملکت برخورد جدی صورت نمی گیرد لذا به حد اعلائی گستاخی می رسند.

سوال: فرمایش شما صحت دارد ولی چرا در طول پنج سال گذشته کشورهای خارجی و جامعه بین المللی که در راس ان آمریکا قرار دارد اجازه دادند این سیاستها ادامه یابد و تاکنون فقط حمایت و تمجید می کردند و امروز که با ناکامی مواجه شده اند مسئولیتها را به گردن حامد کرزی می اندازند؟

جواب: این سوالی است که مردم افغانستان از جامعه بین المللی دارند که چرا امید و آرزوهای مردم را به باد دادند و زمان و هزینه های زیادی هدر رفت و حیف و میل گردید و امیدواریم که جامعه بین المللی جواب این پرسشها را بدهد و در عمل در این رابطه اقدام کنند تا مردم افغانستان باور کنند دیگر از هدر دادن زمان و معرف بی جای پولهای کلان جلوگیری می شود و امیدی در دلهای مردم پیدا شود.

سوال: با انتشار این گزارش توسط سیا آیا تغییراتی در سطح دولت افغانستان بوجود خواهد آمد یا خیر؟ جواب: گزارشی را که گفته می شود سیا در روزنامه نیویارک تایمز منتشر کرده است اگر صحت داشته باشد که سیا آنرا منتشر کرده بود این بستگی پیدا می کند به اینکه آیا بوش این مسئولیت اخلاقی را دارد یا خیر که براساس این تجزیه و تحلیل و گزارش تصمیم بگیرد و در مرحله بعدی گام بگذارد که بیش از این در کشور کشتار و چپاول ادامه

نیاید و مردم افغانستان پس از سالها جنگ و خونریزی به آرامش برسند و امیدواریم بوش مثل کرزی نباشد که تنها حرف بزند ولی نتیجه ای اخذ نگردد...

سوال: اگر فرض براین باشد که اکثریت با دمکراتها باشد به نظر شما آنها چه روشی در افغانستان در پیش خواهند گرفت باتوجه به اینکه علت پیشی گرفتن دمکراتها همین است که می گویند مردم آمریکا به این نتیجه رسیده اند که حزب حاکم آمریکا سیاستهای غلطی را در افغانستان و عراق اتخاذ کرده بودند.

جواب: متأسفانه مطالعات دقیق راجع احزاب در آمریکا ندارم و توجهی خاص به انتخابات آمریکا نداشته ام و این دلایل خاص خود را دارد لذا بدان نمی پردازم چون ممکن است بارعلمی لازم را نداشته باشد.

سوال: بعد از اینکه دولت افغانستان و بعضی از آمریکائیا تغییر در موضع خود نسبت به طالبان بوجود آوردند که باید با طالبان مذاکرات صورت گیرد و از راه مذاکره مشکل طالبان حل شود اکنون برخی حلقهات مجاهدین نیز این اظهارات را می کنند که بایستی به نوعی با طالبان کنار آمد این موضوع را چگونه ارزیابی می کنید؟
جواب: اگر بحث این باشد که در دولت سفره ای باز باشد که افراد بخواهند برسران بنشینند و بخورند و به فکر منافع خود باشند این بحث جداگانه است و مشکلی پیش نخواهد آمد مثل آنچه که امروز مجاهدین بخواهند همانند دوره کمونیستها عمل کنند که با گروههایی امتیازات دولتی تقسیم شد و یا با طالبان که با تفنگ امتیازات تقسیم میشد و برعکس اگر از حکومت برداشت یک برنامه مشترک و واحد و برنامه کاری و رسالت و مسئولیت را داریم امکان ندارد که بتوان چیزهای متناقض را با هم جمع کرد.

سوال: بعنوان یک حقوقدان بفرمائید از نظر حقوقی چه گونه می شود با افرادی مذاکره کرد که آنها در سازما ملل تحت تعقیب باشند و در تعزیرات اسامی آنها ثبت شده باشد؟

جواب: هیچ مفهومی ندارد که دولتی طالبان را محاکمه کند یا به زندان بیندازد درحالی که در خود دولت جنایتکاران جنگی و ناقضین حقوق بشر و ظالمان وجود دارند و چگونه یک قاتل می تواند قاتل دیگری را محاکمه کند این چیزهایی است که بایستی راجع به آن توضیح بیشتری بدهند.

سوال: آیا می توان چنین نتیجه گیری کرد که کسانی که چه گذشته و چه حال که بوده اند طی پنج سال گذشته در دولت جمع شده اند و سیاستهایی را اتخاذ کرده اند این سنگ بنای کجی بود که از همان اجلاس بن بوده که تاکنون هیچ نتیجه ای در بهبود وضع مردم افغانستان مشاهده نشده است؟

جواب: صد در صد چنین است چون طبق معلوماتی که داریم قرار بود از افراد ظاهر خان رئیس جمهور آینده افغانستان انتخاب شود و در اولین رای گیری که در پشت درهای بسته صورت گرفته بود و در بین اعضای گروه و هواداران ظاهر خان بود سیرت یازده رای و کرزی دو رای آورده بود و مطبوعات حمایت پشت درها انتظار می کشیدند که نتیجه مشخص شود تا آقای سیرت بعنوان رئیس جمهور اعلام شود برای دولت موقت افغانستان اما بخاطر مداخله آقای خلیل زاد از آقای سیرت خواسته شد که وی از رای خود بگذرد و کرزی را برنده اعلام کند و این ادعایی است که افراد حاضر در جلسه اظهار داشته اند و صحت آن به عهده آنهاست و اگر چنین باشد مسلم است که سنگ بنای اولیه کج نهاده شده است.

سوال: پس اکنون این نتیجه را می توان گرفت که بنیانگذار سنگ بنای کج باز آمریکاست که خلیل زاد سیرت را از رای کسب شده منصرف نموده و کرزی را بجای او آورده است؟

جواب: به عقیده من در شکست فعلی افغانستان آمریکا بعنوان بازکننده این موضوع نقش اساسی را دارد و آمریکا اینجا نیز اشتباهات خود را تکرار کرد و دقیق نمی دانیم که این اشتباه بخاطر تجزیه و تحلیلهای نادرست و یا عمدی بوده این چیزی است که برایمان مشخص نیست.

ادامه دارد